

جهادی‌ها پای کار جاماندگان از تحصیل

خدمات گروه‌های جهادی برای جمع‌آوری کمک‌ها آغاز شده است

گزارش روز

روزنامه نگار

تجربیات جاوید

برایشان مدرسه رفتن نشانه رفاه و ابزار تحصیل کالای لوکس به حساب می‌آید. برای مادری که پنج بچه قدونیم‌قد را بدون شوهر بزرگ کرده است و در خانه‌های مردم کارگری می‌کند، حتی جور کردن هزینه ثبت‌نام مدرسه دولتی و چند دفتر و مداد خیلی ارزان هم ناممکن است. خیلی که هنر کند شکمشان را سیر می‌کند و کرایه خانه عقب نمی‌افتد. پسر دوازده ساله‌اش سر چهارراه شیشه ماشین‌ها را می‌شوید و در زندگی‌اش هدفی جز آوردن شنب به شب همان پول‌ها به خانه ندارد. این‌ها و هزاران کودک و نوجوان دیگر تاستان امسال در فهرست بازماندگان تحصیل آموزش و پرورش استان قرار گرفتند؛ ۲۲ هزار نفر در استان و چیزی در حدود ۱۲ هزار و ۸۰۰ نفر در مشهد.

بازماندگان از تحصیل هرسال در فهرست وزارتخانه هستند و تا زمان وجود فقر مادی و فرهنگی از بین نخواهند رفت. هیچ مصوبه و بودجه دولتی و کشوری‌ای هم در حل مشکلات آنان پاسخگو نیست. نهایتش این است که درس نخوانند و بشوند کارگر و متکدی کوچه و خیابان. عده‌ای اما دلشان راضی نشده به این آسودگی خیال. همان‌ها که در همه ایام سال دغدغه تأمین احتیاجات نیازمندان را دارند مدت‌ها پیش از راه‌اندازی پویش «مشهد مهربان» به فکر جمع‌آوری مداد و دفتر و ثبت‌نام این عده از کودکان افتاده‌اند.

شده‌اند. تنه‌ی ادامه می‌دهد: تعداد زیادی از این کودکان به‌طور کامل ترک تحصیل کرده و کودک کار شده‌اند. پسری دارم که عضو یک خانواده شش نفره است و در کوره آجرپزی زندگی می‌کند. خرج زندگی با اوست و هیچ راهی برای ادامه تحصیل وجود ندارد. یا پسر نوجوان دیگری که پدر ره‌ایشان کرده و با ۱۳ سال سن در نانواپی کار می‌کند، با دستمزد ناچیز. این حقوق کفاف خورد و خوراک خواهر و برادرهایش هم نمی‌دهد چه برسد به لوازم التحریر و لباس و رفت و آمد.

تأکید اعضای مؤسسه از زمان راه‌اندازی بر خدمت به حاشیه شهر بوده است اما از پنج سال پیش تاکنون به‌طور مشخص در منطقه جاده سیمان فعالیت می‌کنند. بدون تعطیلی و به هر مناسبتی مواد غذایی و لباس تهیه و بین خانواده های تحت پوشش خود توزیع می‌کنند. می‌گوید: خانواده‌های تحت پوششمان زیادند. بیش از ۱۵۰ خانوار را در فهرست داریم. باهمه جزئیات زندگی و تعداد اعضا و مشکلاتشان. هر پنجشنبه بعد از ساعت کاری می‌رویم سراغشان. البته شب قبل با خانواده‌های مورد نظر تماس می‌گیریم و فردا بسته‌های کمک‌رابین آن‌ها تقسیم می‌کنیم. با کمک همکاران، دوستان و آشنایان مبالغی را جمع‌آوری و بین ۵۰ تا ۶۰ بسته مواد غذایی بین آن‌ها توزیع می‌کنیم.

مؤسسه حامیان فرشته‌های محروم از هیچ کار خیری دریغ نمی‌کند. از سالمند تا بیمار مبتلا به زخم بستر، زنان بی سرپرست و خیلی‌های دیگر. راه‌پیش‌رویشان طولانی و سخت است اما رنج این مسیر را به جان می‌خرند.

سه هفته برای جمع کردن کمک‌ها و تهیه اقلام وقت گذاشته‌اند و پنجشنبه‌ان‌ها را بین خانواده‌ها توزیع کردند. در خانه‌ای در روستای علی‌آباد که یکی از اهالی محل در اختیار آنان گذاشته و هر پنجشنبه جمعیت زیادی از نیازمندان در مقابلش صف می‌کشند.

«دختر بچه‌ای داریم که پارسال کلاس اول بود اما هم به خاطر غیرحضور ی بودن کلاس‌ها و هم تصادف پدرش که هیچ منبع درآمدی نداشت، مدرسه نرفت. امسال شناسایی و در مدرسه ثبت‌نامش کردیم و لوازم التحریر و هزینه‌های خانواده‌اش هم با خودمان است.» می‌گوید دختر و پسرهای فراوانی در فهرستشان دارند که به دلیل مشکلات مالی خانواده یا نداشتن سرپرست، از تحصیل محروم

مردم می‌داند و می‌گوید: خودرو، عواید اندک آشپزخانه، عمر و همه زندگی‌ام راوقف این خیریه کردم. آدم‌هایی راتحت پوشش گرفتم که سر چهارراه گدایی می‌کردند. هنوز هم اگر ره‌ایشان کنم دوباره وارد خیابان‌ها می‌شوند. از تهیه چیزیه و سیس‌سونی گرفته تا حضور پزشک راهمین‌جا انجام می‌دهیم. این روزها هم درحال جمع‌آوری لوازم مدرسه بچه‌ها هستیم.

محدوده کاری خیریه‌شان منطقه سپس‌آباد است که به ادعای بیابانی نزدیک به ۲ هزار نفر نیازمند دارد. اواین‌ها را هم به‌گفته‌هایش اضافه می‌کند: از میدان بار تا مسکن امید محدوده بزرگی است که تحت پوشش گرفته‌ایم و از میان آن ۲ هزار نفر، ۵۰۰ نفر از محروم‌ترین‌هایشان راتحت پوشش نگه داشتیم. چهارشنبه‌هر هفته اگر سنگ هم از آسمان ببارد، باید اقلامی را آماده کنیم که مردم چشمشان به‌دست ماست.

می‌گوید گاهی کمک‌های خیران این قدر محدود می‌شود که هر هفته فقط یک قلم کالا را تحویل می‌دهند. مانند دوهفته پیش که روغن توزیع کردند و چهارشنبه‌گذشته عدس.

از چهارسال پیش پیگیر هزینه تحصیل و ثبت‌نام بچه‌های محصل شدند. بیابانی شرح می‌دهد: از همان زمان یک خانم دکتر خیر داوطلب شده است و هرسال هزینه ثبت‌نام بچه‌های نیازمند را می‌پردازد، هر قدر باشد و با هر تعداد. تهیه لوازم التحریر با کمک مردم است.

و ادامه سخنانش توضیحی در باره همان هزینه است: هزینه ثبت‌نام مدرسه دولتی برای پول بیمه و کتاب باحساب لباس فرم بین ۳۰۰ تا ۴۰۰ هزار تومان است. خانواده‌های ما این قدر در تنگنای اقتصادی هستند که اگر همین ۳۰۰ تومان را ندهیم، ترک تحصیل می‌کنند. خیلی‌هایشان شاگرد زنگنه مدرسه هستند اما در نبود همان پول اندک می‌روند سر کار.

بسته‌هایی که خیریه آن‌ها تهیه می‌کند برای ۳۵۰ دانش‌آموز تحت پوشش آن‌هاست؛ جاماندگان تحصیلی که امسال قرار است به آن‌ها کمک کنیم حدود ۳۵۰ نفر هستند. با این وضعیت گرانی لوازم التحریر یک مجموعه ساده ۲۰۰ هزار تومان است که به‌اضافه کیف به ۴۰۰ هزار تومان می‌رسد. یعنی برای همین تعداد دانش‌آموز باید بیش از ۱۲۰ میلیون تومان هزینه کنیم. هر کدام از بسته‌ها را به سختی جور کرده‌ایم.

هم دانش‌آموز کلاس اولی جامانده از تحصیل دارند هم کلاس دهم و یازدهمی که دیگر توان حتی گذراندن یک سال و گرفتن مدرک دیپلم را ندارند.

اما همه را یکسان تأمین می‌کنند. آخر کلامش از ازدحامی می‌گوید که چهارشنبه برای گرفتن لوازم التحریر شکل گرفته است؛ بیاید ببینید والدین و بچه‌ها چطور برای چندمداد و دفتر ساعت‌ها در صف می‌مانند. تا همه را تأمین کنیم، پیر شده‌ایم.



عکس: یاسمین رضایی شهزاد

قبلاً خانه بود و وقتی خیران کم شدند تبدیلش کردیم به آشپزخانه و از درآمد خرجش کردیم. شورای شهر قبلی و شهردار منطقه با گرفتن غذا خیلی به ما کمک کردند و ما خرج مردم می‌کردیم. نان خالی که می‌توانستیم بگیریم.



قرارگاه شهید علیمردانی شهرت کشوری دارد. جزو پنج تیم برتر اعزام در حوادث و سوانح و دارای تیم واکنش سریع هستند. از سال ۸۹ که گروه‌شان را با حضور دانشجویان دانشگاه و تخصص فنی و مهندسی آغاز کردند، شاید تصور این همه‌گسترش فعالیت و اضافه‌شدن تیم پزشکی را-که به‌همان هم مشهور شدند- نداشتند اما جوان‌هایی بودند عاشق فعالیت جهادی و البته کار خیر.

حسن بخشی بنیان‌گذار و مسئول قرارگاه شهید علیمردانی است که با افتخار از وجود همه تخصص‌ها در گروه‌ش می‌گوید و اینکه هر جا حادثه‌ای باشد، می‌روند. این‌ها همه در عین حال باعث نشده است از خدمات خیر مشهد و نیازمندانش باز بمانند. وی اضافه می‌کند: ما هم در کنار همه برنامه‌هایمان پوشش مشهد مهربان را فراموش نکردیم. هر چند که در ایام صفر سخت مشغول پخت غذا و خدمت‌رسانی به زائران بودیم. تصمیم ما این شد که ۱۳ بسته تحصیلی کیف و کفش و لوازم التحریر برای بچه‌های یتیم تهیه شود. در کنار آن ۱۳ بسته معیشتی هم به خانواده‌های آنان اهدا شد.

«هر بسته لوازم التحریر حدود ۸۵۰ هزار تومان هزینه داشته است و برای بچه‌های دبستانی که لباس فرم داشتند بیشتر هم شد.» وی ادامه می‌دهد: بسته معیشتی هم موارد کاملی از مایحتاج خانواده بود، به‌ارزش یک میلیون تومان.

شهردان باعث شده است هم خیران زیادی همراهی‌شان کنند هم خانواده‌های تحت پوشش بسیاری که هر بار به‌نوعی آن‌ها را انتخاب می‌کنند. ۳۱۲ کودک انتخاب‌شده امسال جزو کودکان یتیم کمیته امداد امام خمینی^(ع) و اداره کل بهزیستی استان بودند.



با شروع رسمی کلاس‌های درس این پوشش رونق بگیرد و علاقه‌مندان با واریز کمک‌های خود به حساب ۶۶۷۱۹۹۵۹۹۷۵۲۷۹۹۶۰۷۰۱۰۶ اداره کل آموزش و پرورش استان، در این طرح مشارکت کنند. از ابتدای شهریور و آغاز این طرح تاکنون نیز تعدادی بسته لوازم التحریر آماده شده که به‌دست دانش‌آموزان نیازمند خواهد رسید.



مدرسه، پل‌گذار از حاشیه به متن

سال‌هاست دانش‌آموزان و مدارس مناطق حاشیه شهر با مشکلات بسیاری روبه‌رو هستند. کمبود فضای آموزشی و نیروی انسانی از مشکلات همیشگی آن‌هاست که سبب حضور تعداد بیش از میزان استاندارد دانش‌آموزان در کلاس‌ها می‌شود و این موضوع بر رابطه معلم و دانش‌آموز و موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان اثر می‌گذارد. از طرف دیگر این کودکان به دلیل شرایط متفاوت، نیازمند توجه و مراقبت ویژه هستند. بیشتر آن‌ها خارج از ساعات مدرسه کار می‌کنند و ممکن است چندین بار مدرسه را رها کرده و با هم‌کلاسی‌های خود تفاوت سن داشته باشند. همچنین با زخم‌ها و آسیب‌های روحی ناشی از شرایط خاص زندگی در کلاس درس حاضر می‌شوند. این دانش‌آموزان بسیار شکننده هستند و از سوی خانواده و هم‌سالان نیز برای ادامه تحصیل تشویق نمی‌شوند. رفتار نامناسب تیم آموزشی مدرسه (همچون تحقیر، توهین، درخواست پرداخت هزینه، برچسب زنی و موارد بسیار دیگر) می‌تواند دانش‌آموز را دل‌سرد کند و در نتیجه او با سرخوردگی و احساس ناتوانی از آموختن مدرسه راترک کند.

با همه این‌ها بزرگ‌ترین مشکل مدارس حاشیه شهر باتوجه به‌گفته‌های مسئولان موضوع سرانه آموزشی است. اکنون سرانه فضای آموزشی به‌صورت میانگین در کشور ۵/۲ مترمربع است و این میانگین در خراسان رضوی ۴/۲ مترمربع به‌ثبت رسیده‌است. باوجود اینکه سرانه فضای آموزشی استان فقط یک مترمربع از میانگین کشوری کمتر است، وضعیت در حاشیه شهر مشهد به‌شدت نگران‌کننده است. ۲/۲ مترمربع سرانه آموزشی به‌ازای هر دانش‌آموز در حاشیه شهر مشهد عددی است که می‌توان از آن به‌عنوان فاجعه یاد کرد. تراکم جمعیتی، کمبود مدارس و کلاس‌های شلوغ به‌شدت بر کیفیت آموزشی تأثیر دارد.

کودکی که در مناطق حاشیه شهر زندگی می‌کند و در برخی موارد از وجود سرپرست مناسب رنج می‌برد، چه‌شانسی برای تغییر آینده خود دارد؟ در پاسخ به این پرسش ابتدا به سراغ مدرسه می‌رویم. شاید مدرسه تنها نهادی است که می‌تواند فرصتی برای تغییر و ارتقای اجتماعی هرچند اندک به کودکان بدهد. مدرسه این امکان را فراهم می‌کند که کودک همگام با نظام ارزشی جامعه، جامعه‌پذیر و از نظر فرهنگی و اجتماعی در جامعه جدید ادغام شود. زبان فارسی معیار را بیاموزد و مهارت‌هایی برای آینده کاری‌اش فرا بگیرد. این تنها در صورتی است که مدرسه چنین وظیفه‌ای را برای خود قائل شود و برای این کار تمهیدات لازم را اندیشیده باشد.

یکی دیگر از چالش‌های مهم آموزشی در حاشیه شهر توزیع نامتوازن نیروی انسانی متخصص در این مناطق است که این چالش باید با استفاده از طرح آمایش سرزمین و سند جامع، هرچه زودتر برطرف شود. این یعنی عدالت آموزشی. در مدارس حاشیه شهر امکانات آموزشی از لحاظ زیرساخت‌های اصلی در حد قابل قبولی نیست با توجه به تراکم جمعیتی و مهاجرت سالانه به این مناطق با مشکلات جدی‌تری در آینده مواجه خواهیم شد. از طرفی توجه به مسائل و مشکلات این دانش‌آموزان از جمله مشکلات جسمی (بیماری‌های دهان و دندان، مغز و اعصاب و سوءتغذیه)، مسائل اجتماعی، خانوادگی (سطح پایین تحصیلات و اشتغال والدین در مشاغل سطح پایین، شاجرات خانوادگی، تعداد بالای فرزندان، کودکان طلاق، مهاجر و اتباع، وضعیت نامساعد مالی، بی‌توجهی به کیفیت تحصیلی دانش‌آموزان)، مسائل روانی (میزان متوسط اضطراب، اعتماد به‌نفس و عزت‌نفس ضعیف و روحیه افسرده)، مسائل تحصیلی (انگیزش تحصیلی ضعیف، انتظار مبهم و نامشخص از آینده و نبود هدف در زندگی، افت تحصیلی و اختلالات یادگیری) و مسائل مرتبط با نواحی حاشیه‌شهری (امکانات اندک برای تفریح و سرگرمی دانش‌آموزان به‌ویژه نبود پارک، دسترسی نامناسب به اینترنت، فقدان امنیت به‌علت مهاجریزبری زیاد و رفت‌وآمد بالای افراد غریبه در منطقه و برخوردار نبودن از کتابخانه مجهز) حائز اهمیت است.

وجود مشکلات اقتصادی و درآمد‌های اندک خانواده‌ها از یک سو و دریافت هزینه‌های ثبت‌نام و خرید وسایل آموزشی و همگام‌سازی در راستای فناوری‌های هزینه‌بر (خرید لپ‌تاپ، گوشی هوشمند و هزینه اینترنت) از سوی دیگر، والدین را با مشکلات و دردهای متعددی مواجه کرده است که این مسئله موجب ترک تحصیل و ازدواج زودهنگام دختران و اشتغال نوجوانان پسر شده است که این‌ها آمار بی‌سوادی یا کم‌سوادی را در جامعه افزایش می‌دهد.

معلم در چنین مدرسی باید از بین افراد با انگیزه و دل‌سوز انتخاب شود و مهارت‌های لازم برای رابطه با چنین کودکانی را فرا گرفته باشد. در کنار معلم، ضرورت حضور مددکار اجتماعی یا نماینده‌ای از سازمان‌های مردم‌نهاد در این حوزه به‌شدت احساس می‌شود. از طرف دیگر قواعد مدرسه، ساعت‌های درسی، برنامه درسی، محتوا و حجم تکالیف نیز با وضعیت زندگی کودکان هم‌خوانی ندارد. انعطاف بیشتر در قوانین مدرسه و برنامه‌های درسی می‌تواند به انگیزه تحصیلی دانش‌آموزان کمک کند.

نکته دیگری که نیاز به یادآوری دارد این است که دانش‌آموزان حاشیه شهر نیازمند یادگیری‌های زودبازده از جمله آموزش حرفه و فن هستند که متأسفانه اکنون با کمترین استانداردها هم فاصله‌ای طولانی داریم. به‌هرروی این روزها خبری از مددکار اجتماعی نیست. محتوا و برنامه درسی نیز بدون توجه به شرایط خاص این مناطق تدریس می‌شود. از نظر کیفیت فضا و امکانات آموزشی نیز نسبت به سایر مدارس شاهد وضعیت نامناسب‌تری هستیم. شاید حل مشکلات فعلی دانش‌آموزان حاشیه‌نشین بسیار هزینه‌بر و دشوار باشد اما می‌توان با آماده‌سازی مدارس از بازتولید حاشیه‌نشینی در نسل‌های بعد پیشگیری کرد.

